

بلندی فوزیو

انور خوجه

مشت سرخ آهین

ترجمه بیژن اشتری



Fevziu, Blendi

فوزیو، بلندی، ۱۹۶۹ - م.

انور خوجه (مشت سرخ آهنین) / بلندی فوزیو: ترجمه بیژن اشتري - تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۶.

۳۷۱ ص. ۲۴ مصور.

ISBN 978-600-405-152-1

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۱۵۲-۱

Enver Hoxta, 2016

عنوان اصلی:

کتاب حاضر از ترجمه انگلیسی تحت عنوان "Enver Hoxha: the iron fist of Albania" به فارسی برگردانده شده است.

heads of stafe - Albania - biography

رؤسای دولت - آلبانی - سرگذشتنامه

communists - Albania - biography

کمونست‌ها - آلبانی - سرگذشتنامه

Albania - history - 1944-1990

آلبانی - تاریخ - ۱۹۴۴ - ۱۹۹۰ م.

آلبانی - سیاست و حکومت - ۱۹۴۴ - ۱۹۹۰ م.

Albania - politics and government - 1944-1990

۹۴۹/۶۵۰۳۰۹۲

۹ ف ۹۷۸/۲۵/۱۵۲-۱



دفتر مرکزی: خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / پ ۱۵۰ / طبقه چهارم / تلفن: ۸۸۳۰۲۴۳۷

فروشگاه: خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / پ ۱۴۸ / تلفن: ۷-۸۸۳۲۵۳۷۶

■ انور خوجه: مشت سرخ آهنین

● بلندی فوزیو ● ترجمه بیژن اشتري ● ناشر: نشر ثالث

● مجموعه تاریخ ایران و جهان و خاطرات سیاسی

● چاپ اول: ۱۳۹۶ / ۱۱۰۰ نسخه

● لیتوگرافی: ثالث ● چاپ: سازمان چاپ احمدی ● صحافی: مینو

● کلیه حقوق محفوظ و متعلق به نشر ثالث است

ISBN 978-600-405-152-1

● شابک ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۱۵۲-۱

پست الکترونیک: salesspub@gmail.com

● سایت اینترنتی: www.salesspublication.ir

● قیمت: ۳۸۰۰۰ تومان

فهرست

۷	مقدمه مترجم
۱۱	مقدمه
۱۵	۱. مرگ در می‌زند
۲۱	۲. ۲۸ نوامبر ۱۹۴۴
۲۹	۳. از جیروکاسترا به کورچا
۴۱	۴. از فرانسه به بلژیک: دانشجوی انصرافی
۵۳	۵. معلم درس اخلاق
۶۳	۶. بنیانگذاری حزب کمونیست آلبانی
۷۷	۷. رهبری با مشت آهنین
۹۹	۸. ملی‌گرایان و کمونیست‌ها
۱۱۷	۹. رئیس دولت موقت
۱۲۹	۱۰. اجلاس عمومی در برات - وقفه کوتاه
۱۳۳	۱۱. تیرانا و عروسی
۱۴۵	۱۲. دوره وحشت
۱۵۹	۱۳. عزیمت بریتانیایی‌ها و آمریکایی‌ها
۱۷۳	۱۴. یوگوسلاوها: قضیه عشق و نفرت
۱۹۱	۱۵. استالین و روس‌ها
۲۱۱	۱۶. بلوک
۲۲۵	۱۷. انور خوجه و مادر ترزا

۲۳۷	۱۸. شخصیت دوگانه.....
۲۵۵	۱۹. تیم پزشکی.....
۲۶۷	۲۰. پاکسازی‌های بزرگ.....
۲۷۳	۲۱. نابودی نخست‌وزیر.....
۲۹۱	۲۲. واپسین پاکسازی‌ها.....
۳۰۱	۲۳. سال‌های انزوا.....
۳۱۵	۲۴. مرگ و آنچه ماند.....
۳۲۳	وقایع ژمار زندگی انور خوجه.....
۳۲۷	شرح من منصرف‌چهره‌های کلیدی.....
۳۵۵	یادداشت‌های نویسنده.....
۳۶۷	نمایه.....
۳۷۹	کتابشناسی.....

مقدمه مترجم

انور خوجه مردی کثرت خوان خوش بر خورد و خوش سیما بود اما زیر این لایه بیرونی، شخصیتی به غایت متعصب، بیگانه ستیز، بدگمان و خشم نریز آرمیده بود. از بخت بد مردم آلبانی، این مرد که خود را مارکسیست لنینیست می نامید زمام امر این کشور را در پی پایان جنگ جهانی دوم به دست گرفت. خوجه چهل و یک سال با قدرت کامل و با مشت آهنین بر آلبانی حکم راند. الگوی خوجه در کشورداری استالین بود. افتخار می کرد که «ما کمونیست های آلبانی با ما» فقیهات بسیار آموزه های استالین را به کار برده ایم. «خوجه حتا بعد از مرگ استالین در ۱۹۵۳ همچنان به طرفداری از او و الگوداری از روش های سرکوب گرایانه او ادامه داد، زیرا صادقانه معتقد بود که «تجربه بسیار غنی و فوق العاده ارزشمند رفیق استالین راهنمای ما در مسیر سوسیالیستی و راهنمای کار و فعالیت ماست.» سیاست های متعصبانه و سرکوب گرایانه انور خوجه، آلبانی را به خاک سیاه نشاند. این کشور کوچک اروپای شرقی در پایان قرن بیستم حاکمیت کمونیست ها به رده سوم فقیرترین کشورهای دنیا نایل شد. آلبانی های بسیاری اعدام شدند یا در زندان ها مردند. پلیس مخفی خوجه، با نام «سیگوریمی»، بر هر وجهی از زندگی سه میلیون جمعیت آلبانی تسلط داشت. کوچک ترین مخالفتی تحمل نمی شد. محمد شهبو^۱، مردی که بیست و هفت سال نخست وزیر آلبانی بود، در یکی از کنگره های حزب به صراحت گفت: «کسانی که به هر شکلی بخواهند با رهبری ما مخالفت کنند، تق به صورتشان انداخته خواهد شد، مشت بر چانه شان کوبیده خواهد شد و اگر ضروری باشد، گلوله ای به سرشان شلیک خواهد شد.» خوجه به روال معمول در شوروی زمان استالین، همه همکاران سابقش را روانه دیار عدم کرد. محمد شهبو که همه او را دومین مرد قدرتمند آلبانی پس از انور خوجه می دانستند، در ۱۹۸۱ مجبور به خودکشی شد. خوجه هفت وزیر کشور خود را نیز به دیار عدم فرستاد تا همه رازهای مخوف حکومتی اش به سینه قبرستان سپرده شود. انور خوجه در دوران طولانی حکمرانی اش سعی کرد با کشورهای بزرگ کمونیستی مثل شوروی، چین و یوگوسلاوی اتحاد برقرار کند، اما از آن جا که تنها ملاک

برای برقراری چنین روابطی حفظ و تقویت پایگاه قدرت شخصی‌اش بود خیلی زود این پیمان‌ها گسسته شد. خوجه پس از مرگ استالین مدتی با خروشچف نزد دوستی ریخت، اما دیری نگذشت که خروشچف را به تجدیدنظرطلبی در مارکسیسم متهم و با شوروی قطع رابطه کرد. سپس سراغ چین رفت و از انقلاب فرهنگی مانو برای نابودی طبقه متوسط آلبانی و سرکوب اندیشه‌های آزادخواهانه استفاده کرد، اما رابطه حسنه با چینی‌ها فقط تا هنگام زنده بودن مانو تسه‌تونگ، رهبر چین کمونیست، ادامه داشت. خوجه جانشینان مانو را نیز تجدیدنظرطلب نامید و رابطه کشورش را با چین قطع کرد. خوجه عملاً برای تنها کسی که احترام قائل بود جوزف استالین بود که مجسمه‌های او تا ۱۹۹۱، که رژیم کمونیستی آلبانی سقوط کرد، در میدان اصلی تیرانا و دیگر شهرهای بزرگ آلبانی همچنان برقرار بود. تحت سیاست‌های رژیم کمونیستی آلبانی، این کشور به سنزوی‌ترین کشور جهان تبدیل شد.

انور خوجه نزدیک هفتاد جلد کتاب نوشت، اما هرگز در جایگاه متفکر یا تنوری‌پرداز مارکسیست اعتباری برای خودش نگذاشت. خوجه از حیث تبلیغات خارجی نسبتاً فعال بود. او میلیون‌ها دلار از بودجه ناچیز کشور فقیرش را صرف ترجمه و چاپ کتاب‌هایش کرد. ماحصل این تلاش‌ها، پدید آمدن انبوهی از گروه‌های چند نفره در احزاب خوجه‌ایستی در گوشه و کنار جهان بود؛ از برزیل، اکوادور و نیکاراگوئه تا ایران و افغانستان. بیشتر اعضای این گروه‌ها دانشجویان ایرانی مقیم خارج که در قالب «کنفدراسیون دانشجویان ایرانی فعالیت می‌کردند به قدری مجذوب ایده‌های کمونیستی استقلال‌طلبانه و ضد رویزیونیستی انور خوجه شده بودند که به تیرانا سفر با مقامات این کشور ملاقات و گفتگو کردند. در خاطرات آقای عبادیان می‌خوانیم که یکی از همین سربازان گروه‌های ایرانی طرفدار انور خوجه حداقل پنج بار به تیرانا سفر کرده بود تا از نزدیک با این «بهشت کمونیستی» روبرو شود. محسن رضوانی‌ها و زواره امیری‌ها از جمله طرفداران ایرانی انور خوجه بودند. با الهام‌گرفتن از عقاید و اندیشه‌های او چند حزب و گروه، از جمله «حزب کار ایران» (طوفان) و حزب مارکسیست اینیست خوجه‌ایست «شفق سرخ» را بنیاد گذاشتند. حتی برادران افغانی ما هم با تأسیس حزب «شعله» خوجه‌ایست را آزمودند و طعم آن را چشیدند. انور خوجه شاید در پاسخ به همین طرفداران پرشور ایرانی‌اش بود که «بار بار انقلاب ایران قلم‌فرسایی کرد و حتی کتابی کوچک هم در این باره نوشت. طرفداران ایرانی خوجه به تیرانه در ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ به ترجمه و چاپ کتاب‌های خوجه رو آوردند. با این حال، اعضای این گروه‌ها به قدری قلیل بودند که حتی در ساحه چاپ ایران نیز نیروی تأثیرگذاری به شمار نمی‌رفتند. دقیقاً به همین خاطر بود که بسیاری از آن‌ها اعلام انحلال کردند یا در گروه‌های بزرگ‌تر مضمحل شدند.

برای من که از دوران نوجوانی اسم انور خوجه را شنیده بودم و علم زدن برخی هموطنانم در زیر پرچم و تمثال او را دیده بودم، این مرد همیشه در حکم معما بوده است. می‌خواستم او را به واقع بشناسم و دلیل جذابیتی را که برای این گروه معزود از جنبش‌های چپ ایران داشته است، کشف کنم. متأسفانه نه تنها هیچ کتاب فارسی‌ای در باره انور خوجه نیست بلکه تا همین سال گذشته هیچ کتاب انگلیسی جامعی هم در

این باره در دسترس نبود. کتاب انور خوجه؛ مشت سرخ آهنین، نوشته پلندی فوزیو، در واقع اولین کتاب زندگینامه‌ای موثق در باره انور خوجه است که به زبان انگلیسی چاپ و منتشر شده است. این کتاب نقدهای بسیار خوبی گرفته است و بزرگانی مثل سایمن مانینگوری مهر تأیید بر آن زده‌اند. خوشحالم که این کتاب را ترجمه کرده‌ام؛ کتابی که هم پاسخی به کنجکاوی‌های شخصی‌ام در باره انور خوجه و هم منبع معتبری برای شناساندن آخرین رهبر استالینیست جهان به خوانندگان فارسی زبان است. حالا با خواندن این کتاب بهتر می‌توانیم پدیده خوجه‌گرایی چپ ایرانی را تجزیه و تحلیل کنیم. جدای از این، کتاب انور خوجه؛ مشت سرخ آهنین خواننده را به اعماق دهلیزهای تاریک رژیم توتالیتر کمونیستی می‌برد؛ رژیمی که وعده ساختن بهشت در این دنیا را داده بود، اما جهنم را بر سر مردمانش آوار کرد.

در پایان، نکته را در باره ترجمه فارسی کتاب متذکر می‌شوم؛ از آنجایی که در متن کتاب به اسامی بسیاری از افراد اشاره شده است، پایان کتاب بخشی تحت عنوان «شرح حال مختصر چهره‌های کلیدی» اضافه شده است. این بخش به خواننده کمک می‌کند هر اسمی را که در متن کتاب ذکر شده بیابد و از شرح حال مختصر آن فرد مطلع شود. علاوه بر این بخش، دیگر نیازی به پانویس‌ها برای توضیح شرح حال افرادی که اسامیشان در کتاب ذکر شده است، نبوده است. نکته دیگر آن که در متن کتاب، اعداد داخل پرانتز ارجاعی به منابع و مأخذهایی است که نویسنده کتاب از آن‌ها استفاده کرده است. در پایان کتاب، مجموعه ارجاعات نویسنده درج شده است.

بیژن اشتری

۳ آبان ۱۳۹۵

مقدمه

استالینسم^۱ که مرحله به خصوص تیره و تاری در کمونیسم اروپای شرقی بود، با مرگ جوزف استالین^۲ در ۱۹۵۳ یا حداقل با آغاز اصلاحات نیکیتا خروشچف^۳ در اتحاد شوروی در ۱۹۵۶، در غالب کشورهای اروپای شرقی به پایان رسید. با این حال، استالینسم در یک کشور - آلبانی - جان سالم به در برد و تا ۱۹۹۰ پابید.

رژیمی که انور خوجه،^۴ دیکتاتور آلبانی، از زمان به قدرت رسیدن کمونیست‌ها در نوامبر ۱۹۴۴ تا هنگام مرگش در آوریل ۱۹۸۵ رهبری کرد، با همان شدت تحت رهبری جانشینش رامیز آلیا،^۵ تا ۱۹۹۰ ادامه یافت به راستی رژیمی خشن و غیر منصف بود. حاکمیت ترور و وحشت چنان شدید بود که هرگز هیچ صدای شنیدنی‌ای از مخالفان یا ناراضیان این کشور کوچک حوزه بالکان برنخاست. به این ترتیب این کشور کوچک اروپایی قریب نیم قرن از مابقی کشورهای جهان جدا ماند؛ درست همانند کره شمالی^۶ امروز. در ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ که نظام کمونیستی آلبانیایی عاقبت مناسی شد و جای خود را به دموکراسی چند حزبی داد، پشت سر خویش مردمانی خسته، مرعوب و ریسان به جا گذاشت؛ مردمانی که چندین دهه رنج پاکسازی‌ها و ترورهای سیاسی را با پوست و گوشت و استخوان خویش حس کرده بودند. رژیم کمونیستی عاقبت رفت، اما سرزمینی به جا گذاشت که از حیث اقتصاد سیاه، ترسناک‌ترین کشورهای آفریقایی بود و مردمانش در فقر مفرط غوطه می‌خوردند.

۱. Stalinism: سیاست‌ها و روش‌های وابسته به حاکمیت جوزف استالین و پیروانش در اتحاد شوروی شامل تروریسم دیوان‌سالارانه و تبلیغ در روسیه و اروپای شرقی برای قبولاندن فهری جزمیات جنبش کمونیستی. از دیگر ویژگی‌های این مکتب می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: اشتراکی کردن اجباری، سرکوب مخالفان، برقرار کردن اردوگاه‌های کار اجباری، استفاده بی‌حد از پلیس مخفی، کیش پرستش شخصیت رهبری، انقیاد قوه قضائیه و ... - م.

2. Stalin

3. Khrushchev

4. Enver Hoxha

5. Ramiz Alia

۶. کره شمالی چندین دهه متوالی توسط رژیم کمونیستی مستبد اداره می‌شود. این کشور در عمل بجز چین و یکی دو کشور دیگر هیچ رابطه‌ای با جهان ندارد و در انزوای کامل به سر می‌برد. - م.

حالا بیش از دو دهه از به پایان رسیدن عمر رژیم کمونیستی در آلبانی می‌گذرد. مردم آلبانی زمانی که رژیم رفت چشم باز کردند و خودشان را دیدند که با معیارهای زندگی اروپایی فاصله نجومی دارند. آن‌ها از زمان سقوط رژیم کمونیستی نبردی بی‌وقفه را در پیش گرفته‌اند تا با دنیای جدید اطرافشان در صلح و آرامش به سر برند. آن‌ها در این نبرد فرصت چندانی نداشته‌اند تا فارغ از احساسات تند نگاهی به گذشته بیندازند و در بارهٔ مردی بیندیشند که برای تقریباً نیم قرن بر زندگی‌هایشان مسلط بود. اما شیخ انور خوجه هنوز با سنگینی هر چه تمام بر این سرزمین، ناظر و نمایان است و غالب صاحب‌نظران بر این باورند که آلبانیایی‌ها هنوز به شکلی مشغول دست و پنجه نرم کردن با عوارض به جا مانده از رژیم خوجه‌اند.

امروزه آلبانیایی‌های کم‌شماری را می‌توان یافت که حرف خوبی برای گفتن در بارهٔ مردی داشته باشند که زمانی خلیفان آن‌ها بود؛ اما آن‌ها به واقع چه چیزی در بارهٔ او می‌دانند؟ بعضی‌ها هنوز خاطراتی از سیمای عمومی انور رجه دارند. اما این سیمای عمومی مخلوق تبلیغات سیاسی رسمی رژیم بود. پروپاگاندای کمونیستی به مردم آلبانی باور داشت بود که رهبر معظم آن‌ها، «پدر خوجه»، نیکخواه و خیراندیشی کبیر است که جز سعادت و رفاه آن‌ها به هیچ‌دیگری نمی‌اندیشد. برخی دیگر چنین می‌اندیشند که شاید انور خوجه در انزوای خویش در «بلوک»، در حالی که هیچ‌کس جرئت مخالفت کردن با او را نداشت، احتمالاً از خرابی اوضاع مملکت و زندگی سرگردان بود بی‌اطلاع بود. دیگرانی هم هستند که به او ناسزا می‌گویند، وی را تجسم شیطان می‌دانند و گناهانه شاکست‌ها و ناکامی‌های رژیم را مستقیم به گردن شخص او می‌اندازند. اما حتا همین‌ها هم درست نمی‌دانند. انور خوجه در مصیبت‌ها و فجایعی که در حین دوران کمونیستی بر سر مردم آلبانی نازل شد چه نقشی داشت. انور خوجه چه کسی بود؟ آیا هنوز کسانی پیدا می‌شوند که از طرح این پرسش دچار ترس و اضطراب شده‌اند؟ جیب است که به رغم داغ بودن سوژهٔ انور خوجه در آلبانی، طی بیست و پنج سالی که از سقوط دیکتاتوری کمونیست سپری شده است حتا یک کتاب جدی هم در بارهٔ وی چاپ و منتشر نشده بود. البته تا به حال.

بلندی فوزیو^۱ روزنامه‌نگار، تهیه‌کننده و مجری برنامه‌های تلویزیونی در تیرانا [پایتخت آلبانی] در سال‌های ابتدایی هزارهٔ جدید شروع به پخش مجموعه برنامه‌های تلویزیونی‌ای در بارهٔ دیکتاتوری کمونیستی و زندگی انور خوجه کرد. این برنامه‌ها بر اسناد و فیلم‌های مستندی مبتنی بودند که تا آن زمان کسی از وجودشان خبر نداشت. مردم آلبانی با تماشای این مجموعه برنامه‌ها به راستی یکه خوردند. بلندی فوزیو همچنین مصاحبه‌های اختصاصی‌ای با چهره‌های اصلی دورهٔ کمونیستی انجام داد. این افراد که جلو

۱. Bilok: «بلوک» محله‌ای در مرکز شهر تیرانا، پایتخت آلبانی بود که انور خوجه و دیگر رهبران حزب و حکومت به اتفاق خانواده‌هایشان در آن‌جا سکونت داشتند. ورود به این منطقه برای بقیهٔ شهروندان ممنوع بود. انور خوجه چهل سال پایانی عمرش را در یکی از خانه‌های همین محله سپری کرد. - م.

دوربین خاطرات خود را می‌گفتند کسانی بودند که خودشان انور خوجه را می‌شناختند و حاضر شده بودند در باره‌اش علتی حرف بزنند.

بلندی فوزیو بر اساس این مصاحبه‌ها و دیگر اسناد و فیلم‌های مستند یافت‌شده در بایگانی‌های «سازمان اسناد ملی» توفیق یافته است اولین زندگینامه انور خوجه را از هنگام سقوط رژیم کمونیستی به بعد، تألیف و ارائه کند. نسخه اصلی این کتاب به زبان آلبانیایی ابتدا در اکتبر ۲۰۱۱ در نمایشگاه کتاب تیرانا عرضه شد که موفقیت عظیمی در پی داشت. بی‌هیچ تردیدی می‌توان گفت که هیچ کتابی در تاریخ نشر کتاب آلبانی به قدر کتاب زندگینامه انور خوجه به قلم بلندی فوزیو پرفروش و پرمخاطب نبوده است. همه ناگهان خوانان این شده بودند که انور خوجه واقعی را بشناسند. در طی فقط چند هفته، این کتاب زندگینامه بی‌شمار بار زیر چاپ رفت و ناشر کتاب اعلام کرد قادر به تأمین نیاز کتابفروشی‌ها نیست. واکنش عمومی به قدری داغ بود که عده‌ای از مخالفان در چند شهر آلبانی نسخه‌هایی از کتاب را در مکان‌های عمومی سوزاندند. این‌گونه جمعاعات را محدود حامیان سالخورده رژیم سابق یا در غالب موارد، محافل ملی‌گرایان پریشان‌اجازت، در تور و^۱ و آلبانی سازماندهی کرده بودند. این‌ها کسانی‌اند که حمله به انور خوجه را حمله به کشور آلبانی تلقی می‌کنند.

این کتاب، مبتنی بر اسناد و مصاحبه‌های دست اول با آدم‌هایی که دیکتاتور را می‌شناختند، زندگی مردمی را دنبال می‌کند که چهل سال با منش و ذهن بر کشور آلبانی حکومت کرد؛ مردمی که نمی‌توان جنایت‌هایش را به بهانه «بی‌اطلاعی او از واقعیت‌ها» یا به بهانه «مقتضیات اداره کشور» توجیه کرد.

حالا پس از موفقیت‌های نسخه آلبانیایی زبان کتاب، مایه خشنودی و خوشحالی است که زندگینامه انور خوجه به زبان انگلیسی به خوانندگان جهانی نیز عرضه می‌شود. برای کمک به خوانندگان عام، وقایع‌شماری از زندگی انور خوجه به همراه فهرستی از زندگینامه‌های مختصر چهره‌های اصلی‌ای که در کتاب از آن‌ها نام برده شده به انتهای کتاب اضافه شده است. خواننده‌هایی از این کتاب در برابر انتظار عمومی سوزانده شود و خواه سوزانده نشود، این کتاب باقی است تا زمانه‌ها بماند.

رابرت السی

برلین، نوامبر ۲۰۱۵

۱. Kosovo: کوزوو که در دوره یوگوسلاوی تحت حاکمیت این کشور بود پس از فروپاشی یوگوسلاوی به کشوری مستقل تبدیل شد، در حالی که اکثریت ساکنان کوزوو به زبان آلبانیایی حرف می‌زنند و خود را نیز آلبانیایی تلقی می‌کنند. انور خوجه در ابتدای حکمرانی‌اش برای به دست آوردن دل اربابان یوگوسلاویش [و در رأس آن‌ها جوزف تیتو] هیچ داعیه ارضی نسبت به کوزوو مطرح نکرد. کوزوو در حال حاضر کشوری مستقل است. - م.